

۲۴ کشته و زخمی در واژگونی اتوبوس کارکنان نفت دهلران

تسلیت گفتن جای پیشگیری را نمی‌گیرد

حسین فصیحی

هر بار که یک اتوبوس در جاده‌های کشور واژگون می‌شود و ده‌ها خانواده را داغدار می‌کند، مجموعه‌ای از دستورها، تماس‌های تلفنی، پیام‌های تسلیت و وعده‌های پیگیری منتشر می‌شود، اما آنچه کمتر دیده می‌شود، تغییر در ساختاری است که باید پیش از وقوع حادثه، جان مسافران را حفظ کند. واژگونی اتوبوس کارکنان شرکت نفت NGL دهلران در استان ایلام با ۱۲ کشته و ۱۲ مجروح، بار دیگر این پرسش را پیش روی مسئولان قرار داده است که چرا با وجود تکرار سوانح مرگبار، هنوز پیشگیری از تصادفات به اولویت عملی دستگاه‌های مسئول تبدیل نشده‌است؟

دستور پشت دستور، فرمان پشت فرمان و حادثه پشت حادثه. ظاهراً کشور ما در برگزاری مراسم سوگواری پس از سوانح رانندگی به وضعیتی رسیده‌است که هر بار باید منتظر انتشار پیام تسلیت مقام‌های رسمی و صدور دستور برای بسیج امکانات امدادی باشیم. حدود ۲۰ هزار کشته و بیش از ۳۰۰ هزار مجروح در تصادفات رانندگی سالانه، آماری نیست که بتوان با چند جلسه اضطراری، چند پیام همدردی و چند وعده برخورد با مقصران از کنار آن گذشت.

وقتی یک حادثه رانندگی با تلفات جمعی اتفاق می‌افتد، اعتماد عمومی نیز بار دیگر آسیب می‌بیند. جامعه‌ای که بارها شاهد تکرار چنین فجایعی بوده، به‌تدریج در برابر خبرهای مرگبار دچار نوعی فرسودگی و بی‌حسی می‌شود، گویی دیگر شنیدن خبر جان‌باختن چندین نفر در یک اتوبوس، اتفاقی غیرمنتظره نیست. این وضعیت به‌خودی‌خود یک هشدار اجتماعی است، زیرا عادی شدن مرگ در جاده‌ها، خطرناک‌تر از خود حادثه است.

چرا حادثه‌ها تکرار می‌شوند؟

هنوز مدت زیادی از واژگونی اتوبوس مسافربری در آزادراه همدان ـ ساوه نگذشته است. اتوبوسی که در مسیر کرمانشاه به تهران حرکت می‌کرد، دچار سانحه شد و ۱۱ کشته و ۲۴ مصدوم بر جای گذاشت. پلیس راه، خستگی و خواب‌آلودگی راننده را علت حادثه اعلام کرد. اکنون بار دیگر واژگونی یک اتوبوس، این بار در محور دشت‌عباس به مورموری در استان ایلام، ۱۲ کشته و ۱۲ مجروح بر جای گذاشته است. قربانیان این حادثه کارکنانی بودند که در مسیر رفت‌وآمد کاری قرار داشتند و قرار بود پس از پایان مأموریت یا فعالیت روزانه به زندگی و خانواده خود بازگردند. تکرار این حوادث نشان می‌دهد مسئله را نمی‌توان صرفاً به خطای یک راننده یا وقوع یک اتفاق ناگوار تقلیل داد. وقتی سوانح مشابه با تلفات سنگین در فاصله‌های زمانی کوتاه اتفاق می‌افتند، باید درباره عملکرد مجموعه‌ای از عوامل مسئول پرسش کرد.

آیا وضعیت فنی اتوبوس‌ها به‌طور مستمر بررسی می‌شود؟ آیا رانندگان از استراحت کافی برخوردارند؟ آیا شرکت‌های طرف قرارداد برای جابه‌جایی کارکنان، استانداردهای ایمنی را رعایت می‌کنند؟ آیا مسیرهای تردد از نظر ایمنی و نقاط حادثه‌خیز به‌درستی ارزیابی شده‌اند؟ این پرسش‌ها باید پیش از حادثه پاسخ داده شوند، نه زمانی که خانواده‌ها در انتظار شناسایی پیکر عزیزانشان هستند.

تسلیت مسئولان جای پیشگیری را نمی‌گیرد

پس از وقوع حادثه ایلام، معاون اول رئیس‌جمهور با استاندار تماس گرفت و دستور داد تمامی امکانات درمانی و امدادی استان برای رسیدگی به مصدومان بسیج شود. همچنین استفاده از ظرفیت استان‌های همجوار در صورت نیاز مورد تأکید قرار گرفت.

استاندار ایلام نیز دستور پیگیری میدانی و بسیج دستگاه‌های امدادی را صادر کرد. رئیس دولت، رئیس مجلس و دیگر مسئولان نیز با انتشار پیام‌هایی، جان‌باختن کارکنان شرکت نفت را تسلیت گفتند. بدون تردید، بسیج امکانات درمانی و امدادی در ساعات نخست حادثه ضروری است و می‌تواند در نجات جان مصدومان نقش تعیین‌کننده داشته باشد. تلاش نیروهای اورژانس، هلال‌احمر و کادر درمان نیز شایسته قدردانی است، اما مسئله اینجاست که چرا تمام این ظرفیت‌ها باید پس از وقوع یک فاجعه به میدان بیایند؟ آیا مسئولیت اصلی دستگاه‌های اجرایی فقط مدیریت بحران پس از حادثه است؟ چرا همین میزان حساسیت و سرعت عمل برای جلوگیری از وقوع سانحه به کار گرفته نمی‌شود؟ جامعه از مسئولان انتظار ندارد فقط در سوگ جان‌باختگان شریک شوند، بلکه انتظار دارد شرایطی فراهم کنند که تعداد کمتری از خانواده‌ها داغدار شوند.

مسئولیت قانونی دستگاه‌ها کجاست؟

ایمنی حمل‌ونقل جاده‌ای یک مسئولیت چندبعدی است و نمی‌توان آن را تنها بر عهده راننده گذاشت. پلیس راه باید بر رعایت مقررات، سرعت مجاز، صلاحیت رانندگان و وضعیت ناوگان نظارت کند. وزارت راه و شهرسازی و مجموعه‌های مسئول نگهداری راه‌ها نیز وظیفه دارند زیرساخت‌های جاده‌ای را ایمن نگه دارند و نقاط پرخطر را اصلاح کنند. از سوی دیگر، شرکت‌های حمل‌ونقل و پیمانکارانی که وظیفه جابه‌جایی کارکنان صنایع و واحدهای اقتصادی را بر عهده دارند، باید پاسخگوی سلامت ناوگان و شرایط کاری رانندگان باشند. اتوبوسی که تعداد زیادی مسافر را جابه‌جا می‌کند، نباید صرفاً با داشتن مجوزهای اداری وارد جاده شود. سلامت سیستم ترمز، لاستیک‌ها، فرمان، سیستم تعلیق، تجهیزات ایمنی و وضعیت فنی خودرو باید به‌صورت واقعی و مستمر بررسی شود. همچنین راننده‌ای که ساعت‌های طولانی پشت فرمان می‌نشیند و فرصت استراحت کافی ندارد، حتی اگر از مهارت حرفه‌ای برخوردار باشد، ممکن است در معرض خستگی و کاهش تمرکز قرار بگیرد. بنابراین، بررسی سانحه ایلام باید از سطح شناسایی علت مستقیم واژگونی فراتر برود و مشخص کند آیا در زنجیره نظارت، نگهداری، برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از اتوبوس، قصور یا تخلفی رخ داده است یا خیر.

درد مشترک باید به اراده برای تغییر تبدیل شود

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، خود نیز در یک سانحه رانندگی همسر و یکی از فرزندانش را از دست داده‌است. به همین دلیل، مسئله تصادفات جاده‌ای و پیامدهای انسانی آن موضوعی دور از تجربه شخصی او نیست. انتظار از رئیس دولت این است که این درد مشترک را به اراده‌ای جدی برای اصلاح وضعیت ایمنی حمل‌ونقل کشور تبدیل کند. نمی‌توان از خانواده‌ای که عزیز خود را در یک سانحه رانندگی از دست داده‌است، انتظار داشت با یک پیام تسلیت و وعده پیگیری آرام بگیرد. این خانواده حق دارد بداند چرا چنین اتفاقی رخ داده و چه تضمینی وجود دارد که خانواده دیگری گرفتار همین سرنوشت نشود. رئیس دولت باید از ظرفیت قانونی و مدیریتی مجموعه اجرایی کشور برای ایجاد یک برنامه عملیاتی و قابل ارزیابی استفاده کند؛ برنامه‌ای که در آن مسئولیت هر دستگاه، زمان اجرای اقدامات و شاخص‌های سنجش عملکرد مشخص باشد. نوسازی ناوگان فرسوده، کنترل واقعی ساعات رانندگی، نظارت بر سرویس‌های حمل کارکنان، اصلاح نقاط حادثه‌خیز و ارتقای استانداردهای فنی اتوبوس‌ها نباید در حد مصوبه و دستور باقی بماند.

از چرخه تکرار خارج شوید

اگر قرار باشد پس از هر حادثه، استاندار دستور بسیج امکانات صادر کند، معاون اول رئیس‌جمهور تماس بگیرد، مسئولان پیام تسلیت منتشر کنند و دستگاه قضایی از برخورد با مقصران احتمالی خبر بدهد، اما در عمل تغییری در وضعیت ناوگان، جاده‌ها و نظام نظارتی ایجاد نشود، نتیجه چیزی جز تکرار همین چرخه نخواهد بود. کشور به دستورهای بیشتر نیاز ندارد؛ به اجرای مسئولیت‌های قانونی نیاز دارد. به نظارت واقعی، پاسخگویی شفاف و اراده‌ای که پیش از وقوع حادثه وارد عمل شود. حادثه ایلام نباید پس از چند روز از حافظه مدیریتی کشور پاک شود و تا سانحه بعدی به بایگانی خبرها برود. باید مشخص شود چه عواملی به این فاجعه منجر شده، چه کسانی مسئولیت داشته‌اند و چه اصلاحاتی برای جلوگیری از تکرار آن انجام خواهد شد. پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ چند خانواده دیگر باید داغدار شوند تا ایمنی جاده‌ها از یک شعار و دستور اداری به یک اولویت واقعی در عملکرد دستگاه‌های مسئول تبدیل شود؟

همدستی مهندس و جاعل در جعل اسکناس‌های یک میلیونی

غلامرضا مسکنی

دو مرد جوان که با جعل حرفه‌ای اسکناس‌های یک میلیون تومانی و خریدهای سنگین از مغازه‌داران و دستفروشان تهران کلاهبرداری می‌کردند، با هوشیاری یک مغازه‌دار دستگیر شدند. یکی از متهمان که مدرک مهندسی کامپیوتر دارد، در اعترافاتش مدعی شد پس از بیکاری و وسوسه پولدار شدن، تخصصش را در مسیر جعل اسکناس به کار گرفته‌است.

اوایل مهرماه امسال، مرد مغازه‌داری با مراجعه به اداره پلیس تهران از مرد جوانی به اتهام کلاهبرداری با اسکناس‌های جعلی شکایت کرد.

کلاهبرداری با اسکناس‌های نو

شاکی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «سوپرمارکت دارم و چند روز قبل مرد جوانی برای خرید به مغازه‌ام آمد. او مقدار زیادی کالا و مواد غذایی خرید و در پایان گفت کارت بانکی‌اش را همراه ندارد و چند اسکناس یک میلیون تومانی به من داد. اسکناس‌ها کاملاً نو بودند و هیچ تفاوتی با اسکناس‌های اصلی نداشتند، به همین دلیل متوجه جعلی بودن آنها نشدم. من هر چند روز یک‌بار پول نقد مغازه را جمع‌آوری و به حساب بانکی‌ام واریز می‌کنم. ساعتی قبل هم وقتی برای واریز پول‌ها به بانک رفتم، کارمند بانک پس از بررسی اسکناس‌ها به من اعلام کرد تمامی اسکناس‌های یک میلیون تومانی جعلی هستند. آنجا بود که فهمیدم مرد ناشناس با پول تقلبی از من کلاهبرداری کرده‌است.»

با ثبت این شکایت، پرونده به دستور بازپرس دادسرا در اختیار گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران در نخستین مرحله به سراغ دوربین‌های مداربسته سوپرمارکت رفتند، اما تصاویر نشان می‌داد مرد کلاهبردار برای پنهان ماندن هویت خود ماسک بهداشتی به صورت زده و به همین دلیل چهره‌اش قابل‌شناسایی نیست.

دستفروشان هم قربانی شدند

در حالی که تحقیقات برای شناسایی متهم ادامه داشت، شکایت‌های مشابه دیگری نیز به پلیس رسید. بررسی اظهارات شاکیان نشان داد همگی مغازه‌داران و دستفروشانی هستند که به شیوه‌ای مشابه به هدف کلاهبرداری قرار گرفته‌اند.

کارآگاهان در ادامه دریافتند دو مرد جوان به صورت انفرادی یا دونفره به مغازه‌ها و محل فعالیت دستفروشان مراجعه می‌کنند و پس از خرید کالا یا انتخاب اجناس، اسکناس‌های جعلی یک میلیون تومانی را برای پرداخت تحویل می‌دهند. آنها در تمامی این اقدامات ماسک به صورت داشتند تا شناسایی نشوند و ردی از خود باقی نگذارند. بررسی این شکایت‌ها نشان داد دو مرد جوان با جعل حرفه‌ای اسکناس‌های یک میلیون تومانی و خرید حجم زیادی کالا و مواد غذایی، مغازه‌داران و دستفروشان را هدف کلاهبرداری قرار داده‌اند.

از سوی دیگر، بررسی‌های فنی نشان داد اسکناس‌ها با مهارت و دقت زیادی جعل شده‌اند، به‌طوری که فروشندگان هنگام دریافت آنها متوجه تقلبی بودنشان نمی‌شوند و تازه هنگام تحویل اسکناس‌ها به بانک از ماجرا باخبر می‌شوند.

مغازه‌دار جاعلان را لو داد

در حالی که هر روز بر تعداد شاکیان افزوده می‌شد، دو کلاهبردار در آخرین اقدام خود با صاحب مغازه‌ای روبه‌رو شدند که سابقه حرفه‌ای در زمینه چاپ و نشر داشت. آنها طبق روال گذشته با دسته‌ای از اسکناس‌های جعلی وارد مغازه شدند و پس از انتخاب و خرید مقدار زیادی کالا و مواد غذایی، اسکناس‌ها را برای پرداخت به فروشنده تحویل دادند.

صاحب مغازه به محض دیدن اسکناس‌ها متوجه جعلی بودن آنها شد. او که به واسطه سابقه کاری خود در زمینه چاپ و نشر با ویژگی‌های چاپ آشنایی داشت، بدون اینکه دو مرد جوان متوجه شوند، به‌صورت مخفیانه با پلیس تماس گرفت و موضوع را اطلاع داد.

در همین لحظه، دو متهم که به رفتار صاحب مغازه مشکوک شده و احساس خطر کرده‌بودند، کالاهای خریداری‌شده را رها کردند و با عجله از مغازه بیرون رفتند و فرار کردند. دقایقی بعد، با حضور مأموران و اجرای طرح مهار در خیابان‌های اطراف، هر دو متهم هنگام فرار دستگیر شدند. مأموران در بازرسی از کیف متهمان چند دسته اسکناس یک میلیون تومانی جعلی کشف کردند و آنها را برای ادامه تحقیقات به کلانتری انتقال دادند.

اعتراف به جعل و کلاهبرداری‌های سریالی

با دستگیری این دو مرد، مشخص شد آنها همان جاعلان و کلاهبردارانی هستند که از اوایل مهرماه با اسکناس‌های جعلی یک میلیون تومانی، مغازه‌داران و دستفروشان نقاط مختلف تهران را هدف قرار داده بودند.

دو متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی، در جریان تحقیقات به جعل اسکناس و کلاهبرداری‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات برای شناسایی سایر شاکیان، بررسی ابعاد دیگر پرونده و مشخص شدن میزان کلاهبرداری‌های انجام‌شده ادامه دارد.

مهندس کامپیوتری که جاعل اسکناس شد

فرشید، یکی از متهمان پرونده، مدعی است مدرک مهندسی کامپیوتر دارد، اما پس از بیکاری و ناتوانی در پیدا کردن شغل، با همدستی یک جاعل حرفه‌ای تصمیم می‌گیرد از دانش و تخصص خود برای جعل اسکناس‌های یک میلیون تومانی استفاده کند و با این شیوه از شهروندان کلاهبرداری کند.



گفت‌وگو با متهم

سابقه داری؟

نه، هیچ سابقه‌ای ندارم. من تحصیلکرده دانشگاه هستم و شاید باور نکنید، اما تا قبل از دستگیری حتی پایم به کلانتری هم باز نشده‌بود.

چه رشته‌ای خوانده‌ای؟

مهندسی کامپیوتر خوانده‌ام و مدرک دانشگاهی این رشته را دارم.

چه شد که تصمیم گرفتی اسکناس جعل کنی؟

به پول نیاز داشتم و وقتی در شرایط سخت مالی قرار گرفتم، وسوسه شدم از این راه درآمد کسب کنم.

چرا با مدرک مهندسی کامپیوتر دنبال کار نرفتی؟

من قبلاً در یک هتل کار می‌کردم و درآمدم هم تقریباً خوب بود، اما با شروع جنگ تحمیلی امریکا و اسرائیل علیه ایران، شرایط کاری‌ام تغییر کرد. یک روز در جریان جنگ، ساختمانی در نزدیکی هتل هدف بمباران قرار گرفت و بخشی از هتل هم تخریب شد. بعد از آن، مسئولان هتل تعدادی از کارکنان را تعدیل کردند که من هم یکی از آنها بودم و بیکار شدم.

بعد از بیکاری دنبال کار دیگری نرفتی؟

چرا، مدتی با پس‌اندازی که داشتم زندگی کردم، اما پولم تمام شد. از طرفی نتوانستم شغل مناسبی با درآمد خوب پیدا کنم. در همین شرایط یکی از دوستان قدیمی‌ام را دیدم که پیشنهاد عجیبی به من داد.

چه پیشنهادی؟

پیشنهاد داد با هم اسکناس جعل کنیم. او در این کار حرفه‌ای بود و وقتی فهمید من مهندس کامپیوتر هستم و بیکار شده‌ام، گفت می‌توانم از تخصصم برای جعل اسکناس استفاده کنم و با او همکاری کنم.

چطور راضی شدی وارد این کار شوی؟

دوستم به من وعده داد که خیلی زود پولدار می‌شویم و حتی می‌توانیم برای زندگی به خارج از ایران برویم. وقتی نمونه کارهایش را دیدم، متوجه شدم در جعل اسکناس مهارت زیادی دارد. اسکناس‌هایی که تولید می‌کرد آنقدر شبیه نمونه اصلی بود که به سختی می‌شد تقلبی بودنشان را تشخیص داد. همین موضوع مرا وسوسه کرد و تصمیم گرفتم با او همکاری کنم.

اسکناس‌های جعلی را چطور خرج می‌کردید؟

برای اینکه شناسایی نشویم، به مغازه‌های مختلف و حتی سراغ دستفروشان می‌رفتیم. مقدار زیادی کالا می‌خریدیم و به فروشنده‌ها می‌گفتیم کارت بانکی همراه نداریم و پول نقد پرداخت می‌کنیم. بعد هم اسکناس‌های جعلی یک میلیون تومانی را به آنها می‌دادیم.

فکر می‌کردی به این زودی دستگیر شوید؟

نه، اصلاً تصور نمی‌کردم. مطمئن بودیم اسکناس‌هایمان قابل تشخیص نیستند، اما در آخرین مغازه‌ای که برای خرید رفتیم، نمی‌دانستیم صاحب آن در زمینه چاپ و نشر تخصص دارد. او به محض دیدن اسکناس‌ها متوجه جعلی بودنشان شد و پلیس را خبر کرد.

حرف آخر؟

خیلی پشیمانم. ای کاش از تخصص و تحصیلاتم در مسیر درست استفاده می‌کردم و فریب وعده‌های دوستم را نمی‌خوردم. به خاطر یک تصمیم اشتباه، آینده و زندگی‌ام را به خطر انداختم.

اخبار

داماد خشمگین همسر و مادرزنش را کشت

اختلافات خانوادگی در یکی از روستاهای شهرستان جهرم به جنایتی هولناک منجر شد و مردی ۳۷ ساله پس از قتل همسر ۲۴ ساله و مادرزن ۵۰ ساله‌اش با سلاح سرد، پا به فرار گذاشت، اما تلاش سریع مأموران پلیس، فرار او را کمتر از یک ساعت به پایان رساند.

سرهنگ علی‌اصغر محمدپور، فرمانده انتظامی شهرستان جهرم، در تشریح جزئیات این جنایت گفت: ساعت ۱۷:۴۵ روز ۲۳ آبان‌ماه، گزارشی از وقوع یک درگیری مرگبار در یکی از روستاهای اطراف جهرم به پلیس اعلام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد مردی ۳۷ ساله در پی اختلافات خانوادگی، با استفاده از سلاح سرد به همسر ۲۴ ساله و مادرزن ۵۰ ساله خود حمله کرده و هر دو نفر را به قتل رسانده است. متهم پس از ارتکاب جنایت، پیش از رسیدن مأموران از محل فرار کرده‌بود. با دریافت گزارش، تیم‌های انتظامی بلافاصله وارد عمل شدند و شناسایی و دستگیری متهم فراری را در دستور کار قرار دادند. مأموران با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی و پس از هماهنگی با مقام قضایی، موفق شدند در عملیاتی سریع، محل اختفای متهم را شناسایی و او را کمتر از یک ساعت پس از وقوع قتل دستگیر کنند. در جریان این عملیات، سلاح سردی که به گفته پلیس در ارتکاب جنایت استفاده شده‌بود نیز کشف و ضبط شد.

پویش آزادی زندانیان زن در میادین کشور

پویش انسان‌دوستانه «هر میدان، آزادی یک زندانی غیرعمد» با محوریت آزادی زنان زندانی بدهکار مالی، از ایام شهادت تا سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) در میادین کشور برگزار می‌شود.



به گزارش «جوان»، سید اسدالله جولایی، رئیس هیئت امنای ستاد دیه کشور گفت: پویش «هر میدان، آزادی یک زندانی غیرعمد» با همکاری ستاد دیه و فعالان مردمی و با هدف جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد اجرا خواهد شد. به گفته وی، در استان‌هایی از جمله تهران، خراسان رضوی، همدان و فارس، غرفه‌ها و صندوق‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی برپا شده و امکان مشارکت خیران از طریق کارت‌خوان نیز فراهم شده‌است. جولایی با اشاره به وجود بیش از ۲۰ هزار زندانی جرائم غیرعمد در کشور تأکید کرد کمک‌های مردمی، حتی با مبالغ اندک، می‌تواند زمینه آزادی زندانیان و بازگشت آنان به آغوش خانواده‌هایشان را فراهم کند.

رئیس هیئت امنای ستاد دیه کشور همچنین با اشاره به نمونه‌هایی از مشارکت خانواده‌های شهدا و گروه‌های مردمی در آزادی زندانیان گفت: آزادی یک زندانی غیرعمد در استان قم با نذر والدین شهید دانش‌آموز احسان قاسمی، همزمان با نخستین سالگرد تولد این شهید، از جمله این اقدامات بوده است. همچنین پویش «رهایی زندانی به تاسی از آقای شهید ایران» برای بازماندگان پیاده‌روی اربعین و اقدام خانواده شهید محمد ساریخانی در آزادی یک زندانی بدهکار مالی تحت حمایت ستاد دیه استان فارس، نمونه‌هایی از این مشارکت‌های انسان‌دوستانه به شمار می‌روند.

این پویش با تمرکز ویژه بر آزادی زنان زندانی بدهکار مالی، تلاش دارد با جلب مشارکت عمومی، گامی در کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از حبس زنان و دوری آنان از خانواده‌هایشان بردارد.

قتل در تهران، دفن جسد در آرادان بازداشت در شمال شرق

راز قتل زنی که اسفندماه سال قبل در تهران به کام مرگ رفته و جسدش در محور آرادان به سمنان کشف شده‌بود، پس از گذشت هشت ماه با دستگیری شوهرش در شمال شرق کشور برملا شد.

سرهنگ یدالله گلیوری، فرمانده انتظامی شهرستان آرادان گفت: اسفند سال گذشته جسد زنی در محور آرادان به سمنان پیدا و با توجه به حساسیت موضوع، تحقیقات ویژه پلیس برای شناسایی عامل یا عاملان جنایت آغاز شد. کارآگاهان پلیس آگاهی در جریان تحقیقات تخصصی، با بررسی سرنخ‌های به‌دست‌آمده و بهره‌گیری از تجهیزات هوشمند و فناوری‌های نوین پلیسی، به اطلاعاتی دست یافتند که مسیر پرونده را تغییر داد. بررسی‌ها نشان داد زن جوان در تهران و به دست همسرش به قتل رسیده‌است.

متهم پس از ارتکاب جنایت، جسد همسرش را به محور آرادان ـ سمنان منتقل و در آنجا رها کرده‌بود تا راز قتل پنهان بماند. در ادامه تحقیقات، هویت متهم شناسایی شد و مأموران در عملیاتی غافلگیرانه او را در یکی از شهرهای شمال شرق کشور دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها، به قتل همسرش اعتراف و اختلافات و مشکلات خانوادگی را انگیزه ارتکاب این جنایت عنوان کرد.

کودکان و سالمندان در صدر گروه‌های پرخطر افراد ناپدیدشده

رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأکید بر اینکه خانواده‌ها باید به محض مفقود شدن یکی از اعضای خانواده، سریعاً و بدون هیچ‌گونه تأخیری به کلانتری مراجعه کنند، گفت: انتشار آگاهی افراد گمشده نیز توصیه نمی‌شود، زیرا ممکن است بستر کلاهبرداری را فراهم کند.

سرهنگ محمود ملکی با اشاره به اینکه در اداره چهارم آگاهی تهران بزرگ، پیگیری پرونده افراد گمشده انجام می‌شود، افزود: گم شدن افراد علت‌های زیادی می‌تواند داشته باشد که شامل صغیر سنی، کهولت سن، فریب و اغفال و آلزایمر می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه نکته مهم در خصوص فقدانی‌ها این است که به محض اینکه شخصی گم می‌شود، خانواده باید سریعاً به پلیس اطلاع دهد، یادآور شد: خانواده فرد مفقودشده به هیچ عنوان نباید ۲۴ ساعت صبر کنند، بلکه باید فوراً به کلانتری مراجعه کنند و فقدان را اعلام کنند تا در سیستم ثبت شود. کلانتری هم وظیفه دارد سریع موضوع را به پلیس آگاهی اعلام کند، چون بحث نفر و جان است.

رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به گروه‌های پرخطر، ادامه داد: کودکان زیر ۱۲ سال و سالمندان جزو گروه‌های پرخطر هستند، زیرا ممکن است مورد هر گونه سوءاستفاده قرار گیرند یا حوادث مختلفی برای آنها رخ دهد. به همین دلیل به خانواده‌ها توصیه می‌کنم به هیچ وجه کودکان و به‌ویژه سالمندانی را که دچار بیماری‌های ذهنی مثل آلزایمر هستند، تنها در خیابان رها نکنند. وی با اشاره به ارتباط پلیس و سازمان بهزیستی افزود: اقدامات خوبی با سازمان بهزیستی استان تهران انجام داده‌ایم و به صورت آنلاین با عوامل بهزیستی در ارتباط هستیم تا عزیزانی که توسط اورژانس اجتماعی به سیستم منتقل می‌شوند به ما اعلام شود تا خانواده‌ها را راهنمایی کنیم.